

## اخلاص در تبلیغ

### ● آیت‌الله امینی

در ایام ماه محرم؛ ماه شور و حزن، آیت‌الله امینی، نکاتی در ارتباط با تبلیغ بیان داشتند. وی که در جمع دانش‌پژوهان حوزه و دانشگاه در سالن اجتماعات دانشگاه رضوی سخن می‌گفت، با تأکید بر اخلاص در تبلیغ، نکاتی را یادآور شد که در ادامه از نظر می‌گذرانید:

سخن در اخلاص است. یک طلبه زمانی می‌تواند برای دین و مردم نافع باشد که در تحصیل و کارهای خود اخلاص ورزد. از موانع اخلاص، تحصیل به‌منظور رسیدن به مقام و ثروت است. آفت دیگر، حب ریاست است و مراد از آن ریاستی است که انسان برای جاه و مقام و دستیابی به دنیاخواهان آن شود، وگرنه ریاست‌خواهی و علاقه به آن در راستای مدرسانی به دین و حاکمیت ارزشهای الهی - انسانی در تعالیم اسلامی ستایش شده‌است. در روایتی امام صادق (ع) به سفیان خالد می‌گوید: از ریاست بپرهیز که هرکه آن را بطلبد هلاک می‌شود. سفیان می‌گوید: فدایت شوم پس ما همه در هلاکتیم، چه یادکرد از خود و مراجعه دیگران به خود را دوست داریم و می‌پسندیم مورد توجه قرار گیریم. امام (ع) می‌فرماید: «لیس حیث تذهب الیه، انما ذلک ان تنصب رجلاً دون الحجة فتصدقه فی کل ما قال و

تدعو الناس الی قوله»<sup>۱</sup> آن‌گونه که تو پنداشته‌ای نیست. ریاست مذموم، آن است که کسی در مقامی نصب شود که لایق آن نیست. و انسان او را تصدیق کرده، مردم را به پذیرش حرف او فرا خواند.

برپایه این حدیث، اسلام می‌خواهد انسانها براساس معیار و لیاقت در پستها گمارده شوند و با خیرخواهی اشتباهات آنها گوشزدشان شود، نه این که همه گفته‌ها و رفتارشان، اگرچه به خطا، پذیرش شوند.

از مسائل دیگری که دوجنبه‌ای است، تبلیغ و منبررفتن است. زیرا می‌تواند تنها مادی و دنیایی انجام پذیرد و می‌تواند خدایی و معنوی باشد. یادآوری این نکته لازم است که منبررفتن از شغل‌های بالارزش اسلامی است، در هیچ دین دیگر تبلیغ این‌گونه مرسوم نیست. ابوبصیر به نقل از امام صادق (ع) روایت می‌کند: «من علم خیراً فله بمثل اجر من عمل به»<sup>۲</sup> هر کس کار خیری به دیگران بیاموزد (نماز، دعوت به خدا و ...) پاداشی همسان با عامل آن کار دارد. راوی می‌پرسد: اگر این فرد به دیگری آن را تعلیم دهد آیا ثوابی برای فرد اول منظور می‌شود، امام (ع) می‌گوید: اگر آن امر خیر را به همه مردم تعلیم دهند به فرد اول ثواب می‌رسد. حتی اگر اولی هم بمیرد باز هم ثواب عاملان به او داده خواهد شد.

همچنین در روایتی آمده‌است که در قیامت بنده مؤمنی را می‌آورند، از دیدن پادشاهای زیاد در پرونده‌اش متعجب



### ● در روایتی آمده‌است که

در قیامت بنده مؤمنی را می‌آورند، از دیدن پادشاهای زیاد در پرونده‌اش متعجب می‌شود و می‌گوید: من این همه عمل خیر نداشتم! خطاب می‌رسد: این کارها را نکردی، ولی به دیگران آموختی و آنها انجام دادند، برای تو نیز ثواب منظور شد.

می‌شود و می‌گوید: من این‌همه عمل خیر نداشتم! خطاب می‌رسد: این کارها را نکردی، ولی به دیگران آموختی و آنها انجام دادند، برای تو نیز ثواب منظور شد.

علمای سابق نسبت به منبر توجه خاص داشتند. مجتهدان و مراجع منبر می‌رفتند و با آن که احادیث را از روی کتاب می‌خواندند بسیار تأثیر داشت. این حالت بعد از پیروزی انقلاب و حضور صداوسیما در زندگی مردم رو به ضعف نهاده است، به عذای خاص انحصار یافته و علمای بزرگ منبر رفتن را کسر شأن خود می‌دانند. در حالی که برنامه‌های صداوسیما در این راستا هرگز آن تأثیر منبر را ندارد و این مسأله باید مورد توجه بیشتر واقع شود.

در هر حال روحانی باید از سر اخلاص منبر رود و این با پول گرفتن تنافی ندارد، به شرط آن که پول به عنوان هدف اصلی او نباشد، البته اخلاص امر قلبی است، نمی‌توان آن را اندازه‌گیری کرد، ولی از آثار می‌توان به آن پی برد. در اینجا بجاست چند خاطره را یادآور شوم:

– شیخ عباس قمی، این انسان خوش‌سلیقه که از مفاخر علم است، منبری نبوده است، ولی گاه‌گاهی که منبر می‌رفته است، طالبان فراوانی داشته و گفته‌هایش در مردم تأثیرگذار بوده است. در شرح حال او آمده است که ماه رمضان به مشهد آمد و قرار شد در مسجد گوهرشاد منبر رود. منبر ایشان بسیار شلوغ می‌شد، تا آنجا که دیگر منبرها در

سطح شهر خلوت می‌گشت و همه می‌خواستند به سخنان این عالم وارسته گوش فرا دهند. از سویی ملاعباس تربتی نیز که یکی از عالمان بااخلاص تربت است، از این موضوع آگاهی می‌یابد و از تربت حرکت می‌کند تا از مستمعان منبر حاج شیخ عباس باشد. حاج شیخ از این که شیخ عباس تربتی پای منبر ایشان می‌آید غافل بوده، تا این که روزی متوجه می‌شود و از او تعریف و تمجید فراوان می‌کند و به مردم می‌گوید: از امروز تا آخر ماه از منبر ایشان استفاده خواهیم کرد و از منبر پایین می‌آید و زیر بازوان ملاعباس تربتی را می‌گیرد و با اصرار زیاد در حالی که مردم صلوات می‌فرستادند، منبر را به ایشان تحویل می‌دهد و خود از مستمعان می‌گردد.

– یکی از رفقایم که از فضیلتی اصفهان بود، برایم نقل می‌کرد که چند سالی در محمودآباد املی مازندران منبر می‌رفتم و با مردم آنجا کاملاً آشنا شده‌بودم. یک سال که برای محرم مرا به آنجا دعوت کردند، برایم گرفتاری پیش آمد و شب اول نتوانستم در محل حاضر شوم. روز بعد به آنجا رفتم، متوجه شدم روحانی دیگری آنجا آمده. میزبان اظهار داشت که شما دیر آمدید، ما ایشان را نگه داشتیم. گفتم کار بسیار خوبی کردید. همچنین به من گفت: ما شما را که اینجا سبقه دارید رها نمی‌کنیم و به این روحانی مقداری پول می‌دهیم و او را روانه جای دیگری می‌کنیم. من این کار را نپسندیدم، تا این که قرار شد

هر دو همانجا منبر رویم. من از آنجا که احساس می‌کردم آن روحانی تازه‌کار است و اگر من منبر خوبی ارائه دهم، شاید او دیگر نتواند منبر رود و خجل شود، گفتم امشب اول من منبر می‌روم و شبهای دیگر هرطور شما خواستید. آن شب من منبری بسیار بد رفتم، آن طلبه که تعریفهای میزبان را از منبر من شنیده بود، جرأت یافت و منبر نسبتاً خوبی رفت. دوستان سابق من شرمنده شدند. بعد از مجلس میزبان جویای حال من شد و از وضع بد منبرم پرسید. واقعیت را به او گفتم، زارزار گریست و گفت: شما کجا و ما کجا!

آری، اخلاص این‌گونه تأثیرگذار است و آنچه از دل برآید لاجرم بر دل نشیند.

#### پی‌نوشت‌ها:

۱. بحار الانوار ج ۲ ص ۸۳
۲. همان ج ۲ ص ۱۷